

# عشق ماشین بازی کار دستم داد

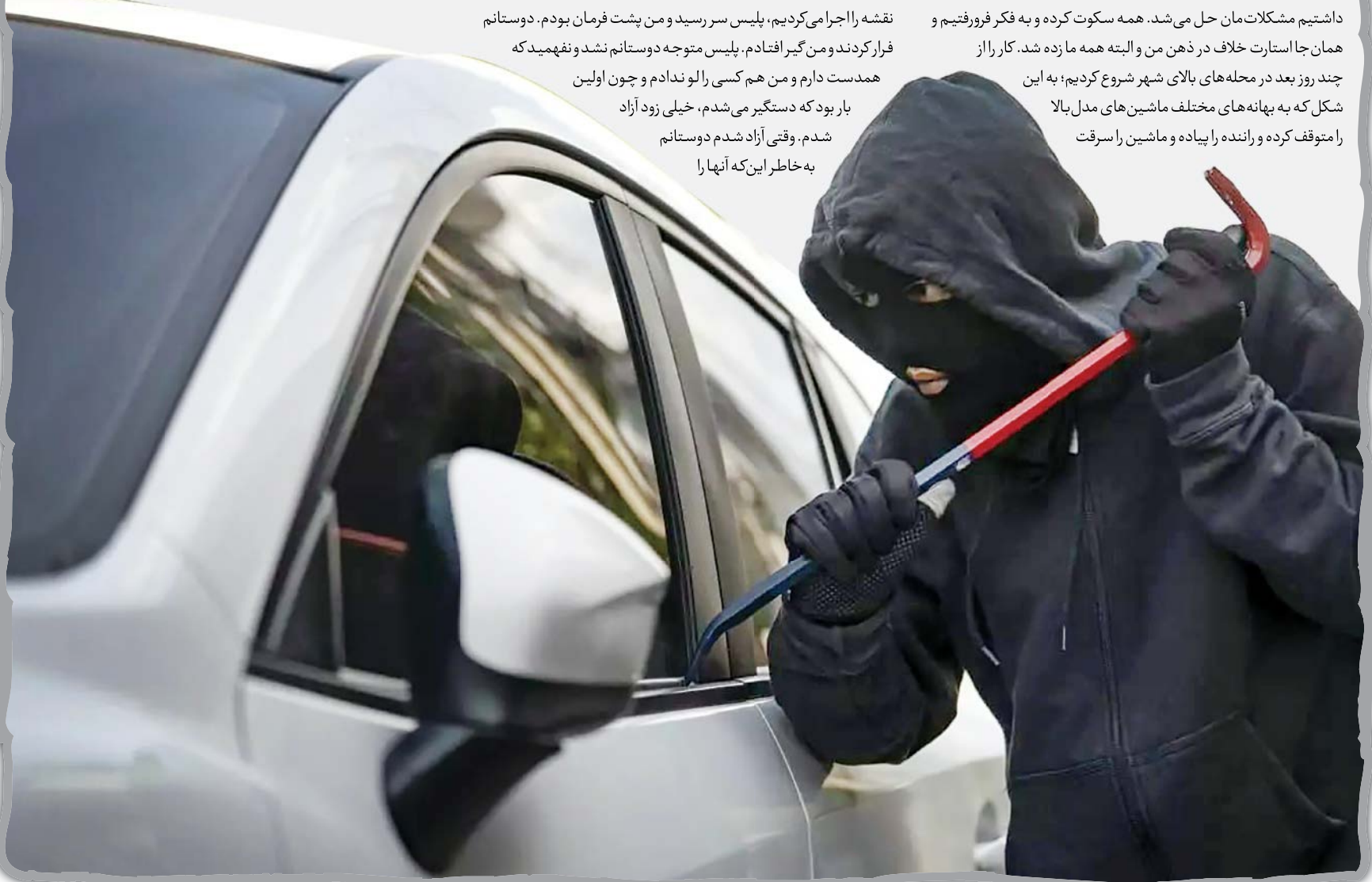
مژده مظهري  
تهی

مرد جوان و همدستانش با سرقت ماشین های مدل بالا، لوازم باارزش آنها را برداشته و خودروها را در خیابان های خلوت یا اطراف تهران رها می کردند. با مرد جوان که برنامه ریز و مدیر گروه بود وارد گفت و گو شدیم و از او خواستیم ماجرا را از ابتدا تا انتها برایم توضیح دهد.

لو نداده بودم مرا رئیس کردند و به این ترتیب کار را ادامه دادیم؛ البته با روش جدید. به این شکل که ماشین هایی را که پارک بوده و قفل و بست درست و حسابی نداشتند سرقت می کردیم. حدود چند ماه هم به این شکل به کار ادامه دادیم تا این که چند روز پیش هنگام سرقت یک ماشین، چند رهگذر به ما مشکوک شده و با هم درگیر و با اطلاع به پلیس ۱۱۰ دوباره دستگیر شدیم. البته این بار همگی گیر افتادیم. این بارهایی وجود ندارد و مجازات و زندان در انتظارم است و باید تاوان کارهایم را بدهم. تصمیمم این است که بعد از آزادی درست زندگی کنم و کار خلاف و درآمد حرام را کنار بگذارم. امیدوارم خداوند هم به من کمک کند تا بتوانم زندگی جدیدی را شروع کنم.

می کردیم. ساعتی را پشت فرمان ماشین های مدل بالایی نشستیم و لذت می بردیم و در نهایت به خارج از شهر یا محله خلوتی رفته و لوازم آن را برداشته و ماشین را همان جا رها می کردیم. من با این کار در واقع هم نیازهای روحی ام را که نشستن پشت ماشین های مدل بالا بود برطرف می کردم هم نیازهای مادی ام را. حدود شش ماه از این موضوع می گذشت و آن قدر در کارمان خبره شده بودیم که از هیچ کس و هیچ چیز نمی ترسیدیم اما از آنجا که راه کج هیچ وقت به منزل نمی رسد ما هم بالاخره گیر افتاده و سر از کلانتری و بازداشتگاه درآوردیم. مادر مجموع شش نفر بودیم که با سه موتور برای اجرای عملیات می رفتیم و وقتی ماشین را سرقت می کردیم هربار باید یک نفر پشت فرمان می نشست. در یکی از سرقت ها زمانی که داشتیم نقشه را اجرا می کردیم، پلیس سر رسید و من پشت فرمان بودم. دوستانم فرار کردند و من گیر افتادم. پلیس متوجه دوستانم نشد و نفهمید که همدست دارم و من هم کسی را لو ندادم و چون اولین بار بود که دستگیر می شدم، خیلی زود آزاد شدم. وقتی آزاد شدم دوستانم به خاطر این که آنها را

اونیز بدون درنگ شروع به صحبت و تعریف ماجرا کرد و گفت: مشکلات و گرفتاری هایم از دوران نوجوانی شروع شد. در خانواده ای متوسط به دنیا آمده و دوران سختی را پشت سر گذاشتم. خیلی بلندپرواز بودم و عشق ماشین. همیشه دلم می خواست بهترین ماشین را داشته باشم اما با درآمد کم خانواده ام نمی توانستم به خواسته ام برسم. با هر سختی بود درسم را تمام کرده و دیپلمم را گرفته و خیلی زود به این فکر کردم که کار پردرآمدی برای خودم دست و پا کنم تا بتوانم به آرزوهایم برسم اما هرچقدر بیشتر تلاش می کردم کمتر به نتیجه می رسیدم. دوستان زیادی داشتم که همه به شدت به دنبال کار و درآمد بودند. یک روز با هم در محله مان می چرخیدیم که یک ماشین مدل بالا از کنارمان رد شد. یکی از دوستانم گفت اگر یکی از اینها را داشتیم مشکلات مان حل می شد. همه سکوت کرده و به فکر فرو رفتیم و همان جا استارت خلاف در ذهن من و البته همه ما زده شد. کار را از چند روز بعد در محله های بالای شهر شروع کردیم؛ به این شکل که به بهانه های مختلف ماشین های مدل بالا را متوقف کرده و راننده را پیاده و ماشین را سرقت



برگ سبز خودرو سواری پراید جی تی ایکس آی به رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۸۶ شماره موتور 1908243 شماره شاسی S1412286091433 شماره پلاک ۴۸-ایران ۴۶۴ س ۴۹ به نام شرکت بازرسی فنی شاخه زیتون لیان مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودرو تویوتا کمبری مدل 2500cc\_Glx به شماره پلاک ۵۹-ایران ۲۲۲ ص ۵۴ به رنگ سفید صدفی به شماره موتور 2ARU044603 به مالکیت زینب مزیدی به شماره ملی ۲۲۶۹۵۰۶۷۷۴ صادره از علی آباد کتول مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

مدرک فارغ التحصیلی خاتم سهیلا ابراهیمی به شماره شناسنامه ۶۹۶۸ و شماره ملی ۰۴۵۱۶۷۴۶۸۵ صادره از تهران در مقطع کارشناسی پیوسته در رشته پرستاری در واحد دانشگاه آزاد اسلامی واحد فلاورجان با شماره ۲۵۲۹۰۵۹ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد. از پاینده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد فلاورجان، خیابان کمربندی، بلوار دانشگاه ارسال نماید.

برگ سبز و برگ کمپانی خودرو پراید مدل ۱۳۸۰ رنگ نقره ای به شماره موتور 3603578 و شماره شاسی S1412289527664 و شماره پلاک ۴۴ ه ۱۸۷ ایران ۶۸ به نام عباس منصوری مفقود و فاقد اعتبار می باشد.

سند کمپانی خودرو وانت پیکان 1600OHV مدل ۱۳۸۹ به رنگ سفید شیبری روغنی شماره انتظامی ایران ۶۷-۶۳ ط ۱۷۵ شماره موتور 11489076220 شماره شاسی NAAA46AA8BG156038 به مالکیت زهرا قائدامینی هارونی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

دفترچه قرارداد و برگ انتقال شماره ۱۱۴۱ مورخ ۱۳۸۱/۱۰/۰۷ مربوط به یک دستگاه آپارتمان مسکونی واقع در استان مازندران، شهر جالوس، شهرک نمک آبرود، بلوک موج، طبقه ۱۴ متعلق به اینجانب سحر احمدی به شماره ملی ۰۴۴۲۰۱۷۶۸۵ به ولایت از پدرم نوریخس احمدی فرزند وجیهه الله به شماره ملی ۲۲۲۹۷۰۸۰۸۲ با ارم و نشان شرکت آتی ساز، مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

شناسنامه مالکیت (برگ سبز) وانت پیکان 1600i مدل ۸۸ به شماره موتور 11488016775 شماره شاسی NAAA36AA99G843543 شماره انتظامی ۱۴-۱۶۴ س ۹۸ به نام سید جعفر موسوی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.